

Condorcet, Marquis de

ماری-ژان-آنتوان-نیکلاس کاریتات مارکی دو کندورسه (۱۷۹۴-۱۷۴۳)، ریاضی دان، مورخ علم، نظریه پرداز سیاسی و مصلح اجتماعی فرانسوی، یکی از جوان ترین دانشنامه نویسان و تنها چهره برجسته فعال در انقلاب فرانسه در میان دیگر دانشنامه نویسان بود. او در ریه مون در پیکاردی زاده شد و در مدرسه ناواره یسوعیان تحصیل کرد. در ۱۷۶۹ م به دلیل نوشته های نخستینش در ریاضیات به عضویت فرهنگستان علوم فرانسه درآمد، در ۱۷۷۶ م به سمت دبیر دائمی آن نهاد برگزیده شد و در این سمت به خوبی توانست در ستایش های عرفی خود از فرهنگستان های درگذشته، پیشرفت علوم را به عموم مردم نشان بدهد.

کندورسه دست پرورده ژان لورون دالامبر - کسی که انتخاب شدن کندورسه در فرهنگستان فرانسه در ۱۷۸۲ م برایش پیروزی شخصی به شمار می رفت - و همچنین دست پرورده بارون دولان تورگو - که کندورسه را به مدیریت امور مالی در دوران وزارت اصلاح طلبانه نافرجامش فراخواند - در مبارزات انقلابی برای آزادی اقتصادی، رواداری دینی، اصلاح قانون و لغو برده داری فعال بود. پس از ازدواج با سوفی دوگروچی در ۱۷۸۶ م محفل شان به یکی از درخشان ترین و پرنفوذترین سالن ها در دوران پیش از انقلاب بدل شد. او به منزله یکی از اعضای شورای شهر پاریس در بحث های راهگشای انقلاب فرانسه شرکت جست و زمانی که در ۱۷۹۱ م برای مجلس قانون گذاری انتخاب شد، جمهوری خواهی دوآتشه بود. او در مقام عضو برجسته مجلس، تلاش های پیگیرانه اش را برای گسترش طرح همگانی آموزش جهت داد که تأثیر بسزایی بر استقرار نظام آموزشی فرانسه گذارد.

مخالفت کندورسه با مجازات مرگ در کنگره ملی، او را به سمت رأی دادن علیه اعدام لویی شانزدهم کشاند (او به

بالاترین مجازات کمتر از مرگ رأی داد). او سپس عهده دار تهیه پیش نویس قانون اساسی جمهوری جدید شد، که اگرچه کمیته قانون اساسی آن را پذیرفت، اما طرح آزادی خواهانه قانون اساسی وی - که اغلب به منزله قانون اساسی ژیروندن ۱۷۹۳ م شناخته می شود - سرنوشت ناگواری را برای گروهی که به آن وابسته بود به همراه داشت. در جولای ۱۷۹۳ م، دفاعیه خشمگینانه کندورسه از قانون اساسی اش، که ژاکوبن ها خود را علیه آن آماده کرده بودند، به محکومیت او و فرار و پنهان شدنش انجامید. او ماه های آخر عمرش را در انزوا در پاریس گذراند و روی کتاب طرحی از تصویر تاریخی پیشرفت ذهن بشر کار کرد که پس از مرگش در ۱۷۹۵ م منتشر شد. او در مارس ۱۷۹۴ م مخفی گاه خود را ترک کرد و در بورگلارین در حوالی پاریس دستگیر و زندانی شد. او در نخستین شب زندان از فرط خستگی یا خودکشی با سم درگذشت.

احتمالات و علوم اجتماعی

اغلب چنین فرض شده است که اشتغال ذهنی کندورسه به امور سیاسی و اجتماعی، اگر که حتی نتیجه ناکامی در پژوهش های ریاضی وی نبوده باشد، دست کم به کاهش علاقه به آنها انجامیده است. عکس این نیز صادق است. تجربه کندورسه در فرهنگستان علوم، تقویت کننده حسی از قدرت علم حتی در توضیح قلمرو رفتار اجتماعی بود. تلاش های او در ریاضیات پیوند تنگاتنگی با دغدغه های روشنفکرانه اش داشت. او می خواست رویکردها و روش های علوم فیزیکی را در مسائل اجتماعی به کار بندد، تا عناصر ازهم گسیخته علوم اخلاقی و سیاسی را درون علوم اجتماعی جدید هم جوش سازد. او علوم اخلاقی و سیاسی را شرط لازم سامانی سیاسی و اجتماعی عقلانی به شمار می آورد.

کندورسه حساب احتمالات را همان پیوند معرفت شناختی اساسی میان علوم فیزیکی و «علم انسان» می دانست. می گفت همه حقیقت های تجربی فقط احتمال هستند. در

که بر نظریه احتمالات و مفهومی در بنیاد ریاضیاتی استوار بود به کار ادغام علوم فیزیکی در علم انسان آمد. از دید کندورسه ریاضی دان با استفاده از حساب احتمالات می تواند حتی آن بخش هایی از علوم را که دکارت آنها را غیرقابل اعتماد می خواند، به ارزیابی ریاضیاتی بکشاند. حساب احتمالات ابزار قابل اعتمادی برای برآورد اعتبار باورهای ما و احتمال پذیری تجربه های ما به دست می دهد؛ حساب احتمالات همچنین علوم اخلاقی و فیزیکی را در مقیاسی متغیر از احتمالات به هم می پیوندد که، در همه مراحل با قطعیتی ریاضی قابل ارزیابی است.

کندورسه این مفهوم را در دو اثر بسیار متفاوت پروراند. در اثر نخست، جستار درباره کاربست تحلیل در احتمال پذیری تصمیم های اکثریت (۱۷۸۵)، او با استفاده از حساب احتمالات توانست کشف کند که در چه شرایطی تضمین کافی وجود خواهد داشت که تصمیم های اکثریت در مجلس یا دادگاه ها درست است. در یکی از این «کاربست ها» او چنین تحلیلی را همچون ابزار حل مشکل همیشگی اندیشه آزادی خواهانه در نظر آورد، یعنی مشکل آشتی دادن میان ادعاهای نخبگان برای مسئولیت پذیری در فرایند تصمیم گیری و اصل کلی رضایت همگان یا اکثریت. اما ریاضیات پیچیده و دشوار این جستار و اتکای ناگزیرش بر مفروضات اثبات ناشدنی درباره درستی یا نادرستی احتمالی باورهای افراد تشکیل دهنده بدنه اجتماع، سبب کم توجهی علاقه مندان به اندیشه سیاسی کندورسه به آن جستار شد. به تازگی ریاضی دانان اجتماعی علاقمند به تبیین رابطه میان انتخاب های فردی و جمعی (چه سیاسی و چه اقتصادی) توانسته اند از چارچوب احتمال محوری این جستار یک الگوی نظری تصمیم گیری جمعی استخراج کنند که آشکارا الزامات و رویکردی نوین دارد (← Black (۱۹۵۸) و Garner (۱۹۵۴)).

هدف کندورسه از نگارش جستار درباره کاربست تحلیل این

علوم اجتماعی مشاهده واقعتی ها چه بسا دشوارتر و سامان آنها ناپایدارتر است. از این رو نتایج در علوم اجتماعی می تواند احتمالی تر از نتایج علوم فیزیکی باشد. اما کندورسه بر این باور بود که احتمال پذیری همه گزاره های تجربی را می توان با نظریه احتمالات بیان و ارزیابی کرد. از این رو، حتی اگر گاهی گزاره های علوم اجتماعی احتمالی تر از گزاره های علوم فیزیکی باشند، برآورد ریاضی هر یک از آنها به یک اندازه قطعی است؛ برای نمونه، یک هواشناس نمی تواند مطمئن باشد که فردا باران می بارد، اما اگر او بر پایه مشاهداتش بتواند احتمال بارش را $x:1$ برآورد کند، پس می تواند مطمئن باشد که به احتمال $x:1$ فردا باران خواهد بارید. به همین سان، اقتصاددانی که نمی تواند مطمئن باشد معیارهای زندگی رشد خواهد کرد، می تواند در نظر و در یک برآورد احتمالی ریاضی به آن اطمینان برسد.

اهمیت این استدلال را می توان بر پایه قطعیت معرفت شناختی ای سنجید که پیشتر رنه دکارت برای علوم ریاضی و فیزیکی مدعی آن بود. کندورسه این ارزیابی شکاکان را می پذیرفت که علوم فیزیکی فقط احتمالی هستند. اما وقتی می گفت احتمالات در علوم فیزیکی (همچنان که در علوم اجتماعی) می تواند با قطعیت ریاضی ارزیابی شود، به نوعی اساسی در سنت دکارتهای باقی ماند. او نه تنها مفهوم قطعیت را معیار دانش پذیرفتنی به شمار می آورد، بلکه ریاضیات را نیز سرمون دانش قطعی می دانست (هرچند که حتی این قطعیت نیز در تحلیل نهایی بر ثبات مشاهده شده عملیات ذهن انسان استوار است - و کندورسه از گفتن این نکته ابایی نداشت - استدلال کندورسه در این موضوع با استدلال جیامباتیستا ویکو هم ردیف است که سرسختانه در قرن هجدهم میلادی می کوشید برای علوم اجتماعی اعتبار دست و پا کند. اما در حالی که ویکو در جستجوی مفهومی تاریخی و اندام وار برای علم جدیدش بود، از علوم ریاضی و فیزیکی روی گرداند، ارزیابی کندورسه از علوم فیزیکی

کندورسه، مارکی دو

تأثیرش بر جامعه که کندورسه سال‌ها درباره آن می‌اندیشید. برخی پاره‌های این اثر ناتمام، اهمیت فلسفی قابل توجهی دارد. در یکی از آنها طرحی برای زبان علم جهانی و نمادین افکنده شده است؛ در پاره‌ای دیگر، دستگاه ده‌دهی طبقه‌بندی پروارنده شده است که در اصل پاسخی به مشکل دیرپای طبقه‌بندی علمی بود. اما نام و تأثیر کندورسه به‌طور عمده با خود کتاب، طرحی برای تصویری تاریخی از پیشرفت ذهن انسان گره خورده است. در همین کتاب - که اغلب از آن با نام کتاب مقدس فلسفی سده هجدهم میلادی یاد می‌شود - کندورسه ایده‌ی بنیادی خود در اندیشه اجتماعی را برای سده نوزدهم میلادی به یادگار گذاشت: ایده پیشرفت.

هدف کتاب طرحی برای تصویری تاریخی از پیشرفت ذهن انسان نشان دادن رهایی پیش‌رونده انسان بود، نخست رهایی از چیرگی مطلق محیط فیزیکی و سپس رهایی از چنگ بردگی تاریخی برساخته‌های خودش. کندورسه در ایده پیشرفت با دیگر نظریه‌پردازان سده هجدهم میلادی هم‌بهره بود، پیشرفتی که در نهایت بر توانایی انباشت‌شده انسان برای درآمیختن حواس با باورها (به شیوه‌ای که روان‌شناسی حواس آشکار کرده بود) در جهت رضایت و منافع خودش استوار بود. این توانایی روانی پرومته‌وار هم در کل نژاد انسان و هم در تک‌تک افراد عمل می‌کند، و از راه منطقی طبیعی و خودآشکارگر یا همان «روش»، از داده‌های بنیادین تجربه حسی تا کلی‌ترین اصل‌های علوم اخلاقی و فیزیکی به پیش می‌رود. از این رو، دغدغه اصلی کندورسه بیش از آنکه توضیح رشد درونی عقل باشد - چرا که این رشد به‌صورت طبیعی در نهاد انسان کار گذاشته شده است - نابودی موانعی را آماج خود ساخته بود که آن رشد را بازداشته یا تحول تاریخی ذهن را از منطق طبیعی ایده‌ها منحرف کرده است.

امیدواری کندورسه به پیشرفت در آینده به دو نتیجه می‌انجامد؛ نخست، او به این باور رسید که موانعی که در

بود که دانشگاهیان را درباره اعتبار این ادعای خود قانع کند که با علوم اخلاقی و سیاسی می‌توان به‌نحو ریاضیاتی برخورد کرد. اما مخاطب مقاله ناتمام «انگاره کلی علم شامل برخورد ریاضیاتی با علوم اخلاقی و سیاسی» کسان دیگری بودند. این مقاله در ۱۷۹۳ م در نشریه‌ای عمومی منتشر شد که در پی آشنا کردن شهروندان جمهوری جدید فرانسه با علوم اجتماعی یا هنر رفتار عقلانی سیاسی بود. کندورسه ریاضیات اجتماعی نوپدید را علم مشترک و روزمره رفتار می‌دانست (Oeuvres, Vol. I: p. ۵۵۰) که بنیان‌های اصلی سیاست مردم‌سالارانه، اما عقلانی، را به دست می‌دهد. او انسان را در همه رفتارهایش همچون قمارباز می‌دید. هر فرد به‌صورت خودکار و غریزی احتمال‌پذیری یک باور را با احتمال‌پذیری باوری دیگر، و هدف مطلوب یک کنش را در برابر نتایج محتملش متعادل می‌کند. علم ریاضی انسان که نه‌تنها توصیفی عینی از رفتار اجتماعی بلکه پایه‌ای علمی نیز برای رفتار فردی است، انسان‌ها را قادر می‌سازد ارزیابی دقیق دلیل و محاسبه را جایگزین اندیشه‌ها و کنش‌های مبتنی بر عادت و غریزه خود، سازد. ریاضیات اجتماعی، همراه با زبان سنجیده‌ای استوار بر تحلیل فلسفی دقیق ایده‌های ما، انسان‌ها را از غریزه و شور آزاد می‌کند و امپراتوری عقل را در امور اجتماعی بازمی‌گرداند. ریاضیات اجتماعی پیشرفت علمی و اعتلای اخلاقی را به‌هم می‌پیونداند، زیرا شر و پلیدی، به گفته کندورسه، بیش از آنکه حاصل میل به خشونت باشد نتیجه محاسبه نادرست منافع است.

ایده پیشرفت

کندورسه در کتاب طرحی برای تصویری تاریخی از پیشرفت ذهن انسان، برای نشان دادن نیروی عقل و محاسبه در امور اجتماعی، به تاریخ روی آورد. این کتاب فقط مقدمه‌ای شتاب‌زده بود بر اثر بزرگ‌تری درباره تاریخ علم و

«تیره‌ترین و نادیده‌ترین فصل تاریخ نژاد انسان» (Sketch,)
 (Barraclough translation, p. ۱۷۱) - یعنی پیشرفت
 اجتماعی توده مردم - است که دیدگاه‌های کندورسه درباره
 تاریخ را با مفهوم علم اجتماعی پیوند می‌زند.

See also Alembert, Jean Le Rond d'; Descartes, René;
 Encyclopédie; Mathematics, Foundations of; Philosophy of
 History; Progress, The Idea of; Turgot, Anne Robert
 Jacques, Baron de L'Aulne; Vico, Giambattista.

Bibliography

The standard edition of Condorcet's works is A. Condorcet-
 O'Connor and F. Arago, eds., *Oeuvres de Condorcet*. ۱۲
 vols. (Paris, ۱۸۴۷-۱۸۴۹). The *Essai sur l'application de
 l'analyse à la probabilité des décisions rendues à la
 pluralité des voix* (Paris: De l'Imprimerie Royale, ۱۷۸۵)
 and Condorcet's many other mathematical writings are not
 included in this edition. For a bibliography of these
 mathematical works see Charles Henry, "Sur la Vie et les
 écrits mathématiques de Jean-Antoine-Nicolas Caritat
 marquis de Condorcet." In *Bulletino di bibliografica e di
 storia delle scienze matematiche e fisiche* ۱۶ (۱۸۸۳): ۲۷۱-
 ۳۲۴. See also Charles Henry, ed., *Correspondance inédite
 de Condorcet et de Turgot* (۱۷۷۰-۷۹) (Paris: Charavay
 Frères, ۱۸۸۳); Léon Cahen, "Condorcet inédit: Notes pour
 le Tableau des progrès de l'esprit humain," in *La
 révolution française* ۷۵ (۱۹۲۲): ۱۹۳-۲۱۲; Gilles-Gaston
 Granger, "Langue universelle et formalisation des sciences:
 Un Fragment inédit de Condorcet," in *Revue d'histoire des
 sciences* ۷ (۱۹۵۴): ۱۹۷-۲۱۹; Alberto Cento, "Dei
 manoscritti del 'Tableau' di Condorcet," in *Rendiconto del
 Istituto Lombardo di Scienze e Lettere: Classe di Lettere e
 Scienze Morali e Storiche* ۸۸ (۱۹۵۵): ۳۱۱-۳۲۴; K. M.
 Baker, "An Unpublished Essay of Condorcet on Technical
 Methods of Classification," in *Annals of Science* ۱۸
 (۱۹۶۲): ۹۹-۱۲۳. For a modern translation of the *Esquisse*,
 see *Sketch for a Historical Picture of the Progress of the
 Human Mind*, translated by June Barraclough, with an
 introduction by Stuart Hampshire (London: Weidenfeld
 and Nicolson, ۱۹۵۵).

For reference see Franck Alengry, *Condorcet, guide de la
 Révolution française, théoricien du droit constitutionnel et
 précurseur de la science sociale* (Paris: V. Giard and E.
 Brière, ۱۹۰۳); Duncan Black, *The Theory of Committees
 and Elections* (Cambridge, U.K.: Cambridge University
 Press, ۱۹۵۸); Janine Bouissounouse, *Condorcet, le*

گذشته تهدیدی برای پیش‌روی و اشاعه عقل بودند -
 نخبه‌گرایی و استبداد ازسویی؛ تعصب‌های عمومی، نادانی، و
 انقیاد اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر - سرآخر در اثر
 انقلاب‌های به‌هم‌پیوسته علمی، فناوری و سیاسی از میان
 برداشته می‌شوند؛ دوم، او باور داشت که کشف‌های
 روان‌شناسی حس‌گرایانه امکان پیوند اصل‌های طبیعی و
 بنیادین هنر اجتماعی، یا همان علم، را فراهم می‌آورد. او
 معتقد بود که کشفیات روان‌شناسی حس‌گرایانه امکان بیان
 صریح اصول طبیعی و بنیادی هنر اجتماعی یا علم را فراهم
 می‌کند و از مدارک حقوق انسانی مبتنی بر «حقایق» طبیعت
 حساس انسان - مفهومی جامع از اصول مردم‌سالاری
 آزادی‌خواهانه عرضه می‌کند که هنر اجتماعی در پی
 پیاده‌سازی آن است.

اگرچه این باور به پیشرفت بی‌پایان در آینده، بر این حکم
 کلی استوار بود که مشاهده رویدادهای گذشته تحقق
 احتمالی آینده را تضمین می‌کند، اما جبر تاریخی چیزی نبود
 که کندورسه بدان باور داشته باشد. چنان‌که از مقدمه
 منتشرنشده او بر کتاب طرحی برای تصویری تاریخی از
 پیشرفت ذهن انسان برمی‌آید، انسان‌ها موضوع قانون‌های
 عام طبیعت فیزیکی‌اند، اما این توان را نیز دارند که این
 قانون‌ها را به سود خود به کار گیرند. اگرچه این توان در
 فرد ناچیز است، اما وقتی نوع بشر آن را در درازمدت به کار
 گیرد، می‌تواند نیروهای طبیعی را تعادل بخشد، چنان‌که حتی
 کار خود طبیعت نیز به شمار رود. زیرا اگر طبیعت توانایی
 یادگیری از تجربه را به کل نوع بشر عطا کرده است، رهایی
 پیش‌رونده انسان‌ها از طبیعت، خود طبیعی است، و افزایش
 آزادی نیز قانونی طبیعی است. کتاب طرحی برای تصویری
 تاریخی از پیشرفت ذهن انسان نه تنها نیروی هنر اجتماعی را
 نشان داد بلکه روشن ساخت که هنر اجتماعی تنها به‌منزله
 هنری جمعی و مردم‌سالارانه می‌تواند کامیاب شود. همین
 تأکید بر تجربه جمعی و دستاوردهای نوع بشر، این دغدغه

Philosophe dans la Révolution (Paris: Hachette, ۱۹۶۲);
Léon Cahen, Condorcet et la Révolution française (Paris:
Alcan, ۱۹۰۴); Alberto Cento, Condorcet e l'idea di
progresso (Florence: Parenti, ۱۹۵۶); Gilles-Gaston
Granger, La mathématique sociale du marquis de
Condorcet (Paris, ۱۹۵۶); Frank E. Manuel, The Prophets of
Paris (Cambridge, MA: Harvard University Press, ۱۹۶۲);
and J. Salwyn Schapiro, Condorcet and the Rise of
Liberalism (New York: Harcourt Brace, ۱۹۳۴).

See also Keith M. Baker, Condorcet, From Natural Philosophy
to Social Mathematics (Chicago: University of Chicago
Press, ۱۹۷۵); and Edward Goodell, The Noble Philosopher:
Condorcet and the Enlightenment (Buffalo, NY:
Prometheus, ۱۹۹۴).

Keith Michael Baker (۱۹۶۷)

Bibliography updated by Tamra Frei (۲۰۰۵)



دانشنامه فرهنگ و تاریخ

۱. عضو هیات علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی